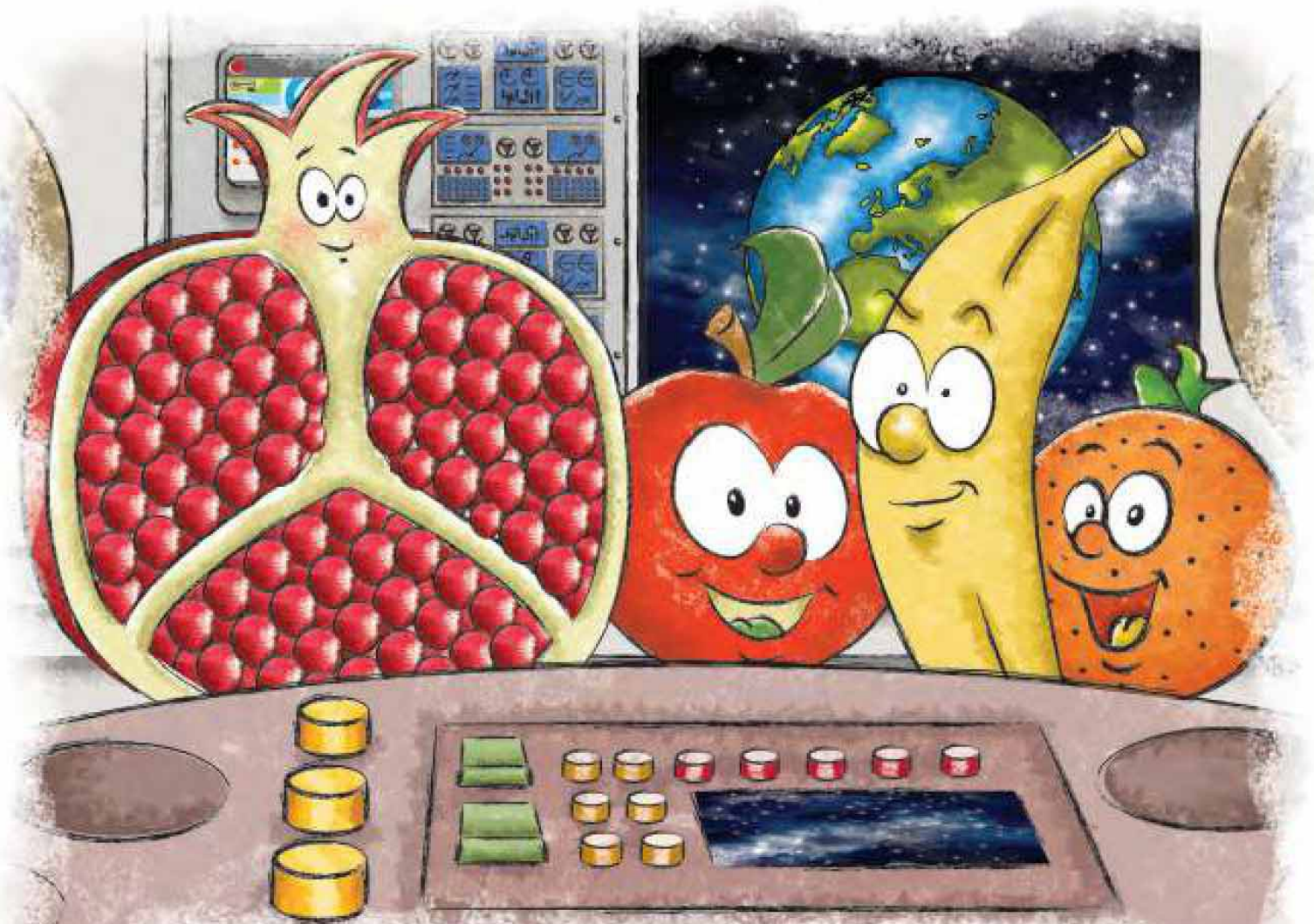
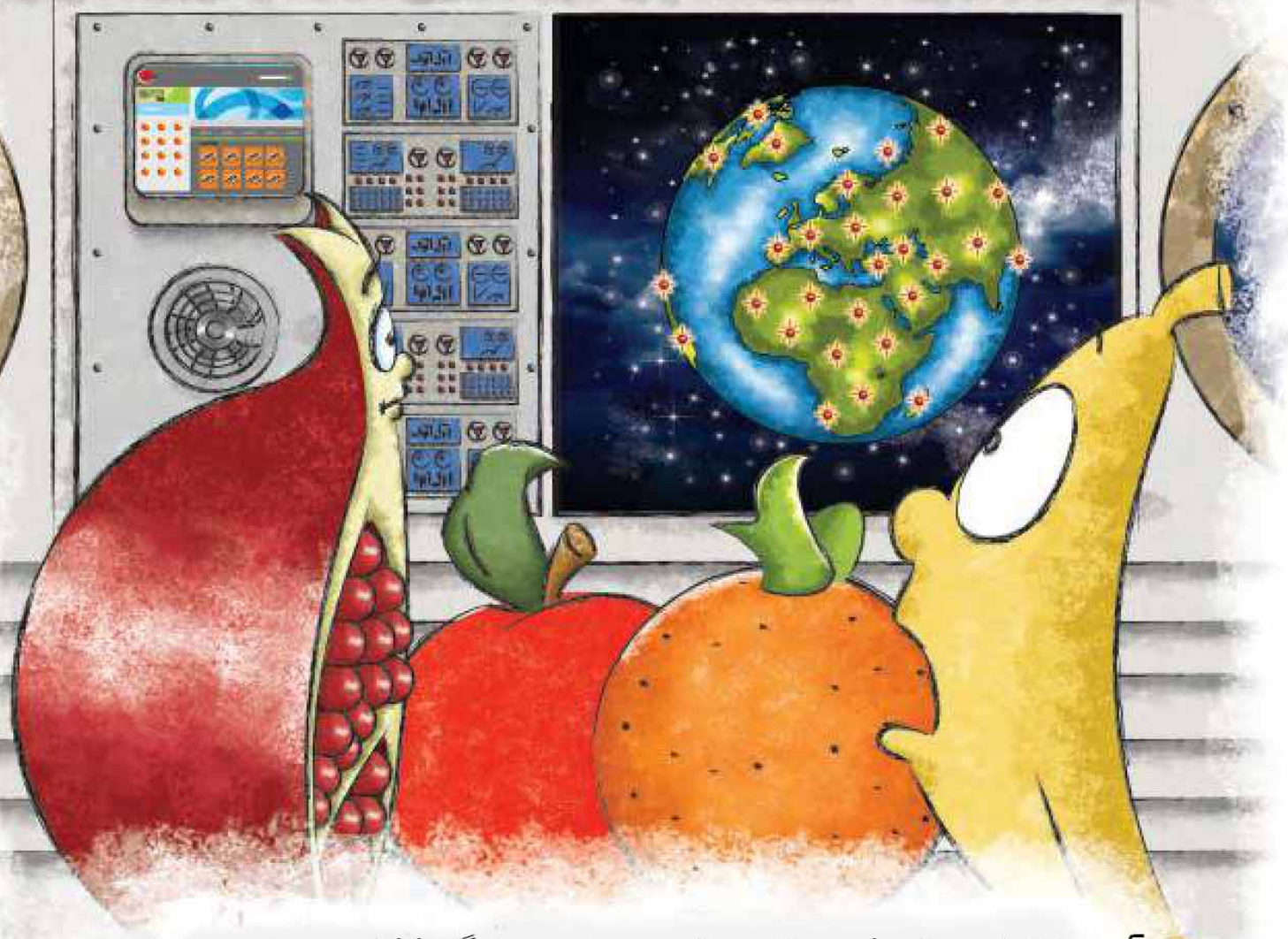


انفار با هو مش

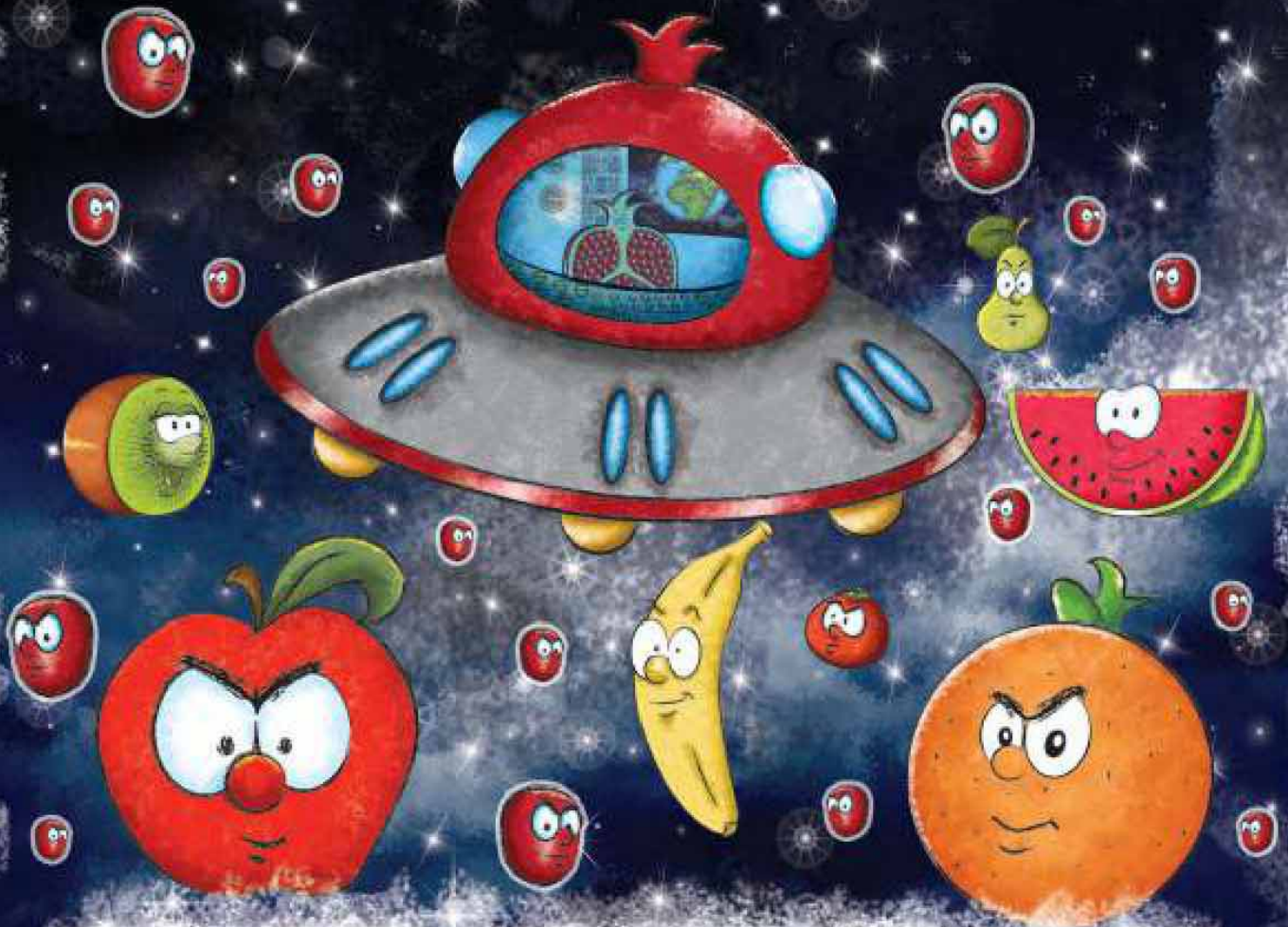




همه میوه های پایگاه فضایی میوه طبق معمول وظایف خود را انجام می دادند. فرمانده پایگاه میوه ، انار باهوش است. میوه ها به انار باهوش با جثه بزرگ، پوست قرمز محکم و دانه های آبدار احترام می گذارند.....



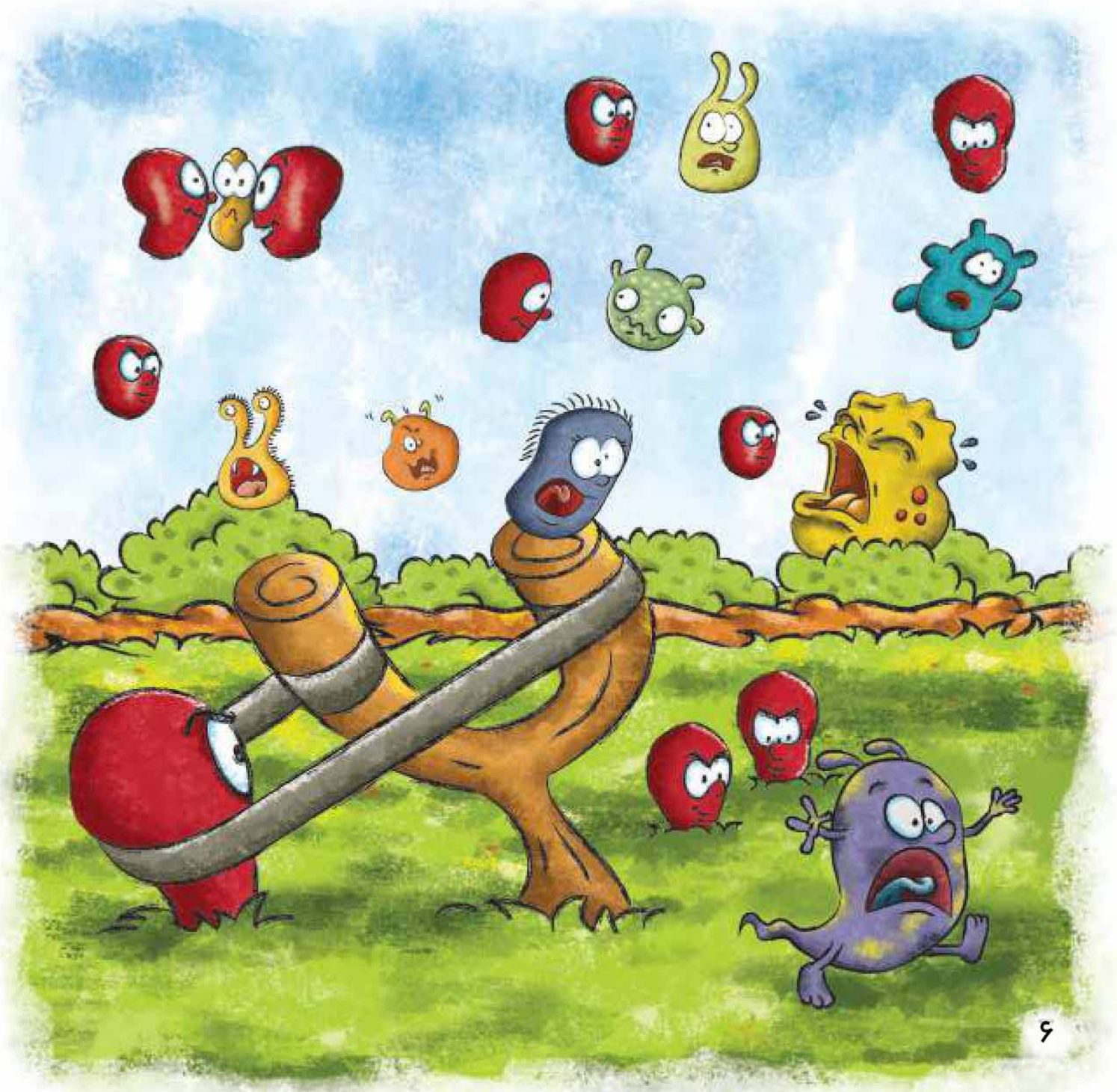
آن روز تماس های فوری از سرتاسر جهان به پایگاه فضایی میوه رسید، میکروب ها به دنیا حمله کردند، کودکان اولین کسانی بودند که تحت تأثیر میکروب ها قرار گرفتند، آنها بیمار شدند و به رختخواب رفتند.



فرمانده انار باهوش که وظیفه حفظ سلامت مردم را برعهده داشت از این وضعیت بسیار نگران شد و بلافاصله با لشکریان میوه تماس گرفت و دستور داد: "میوه های قهرمان ، حالا زمان انجام وظیفه است!! هر چه سریعتر بچه ها را از میکروب هایی که به دنیا حمله می کنند محافظت کنید."

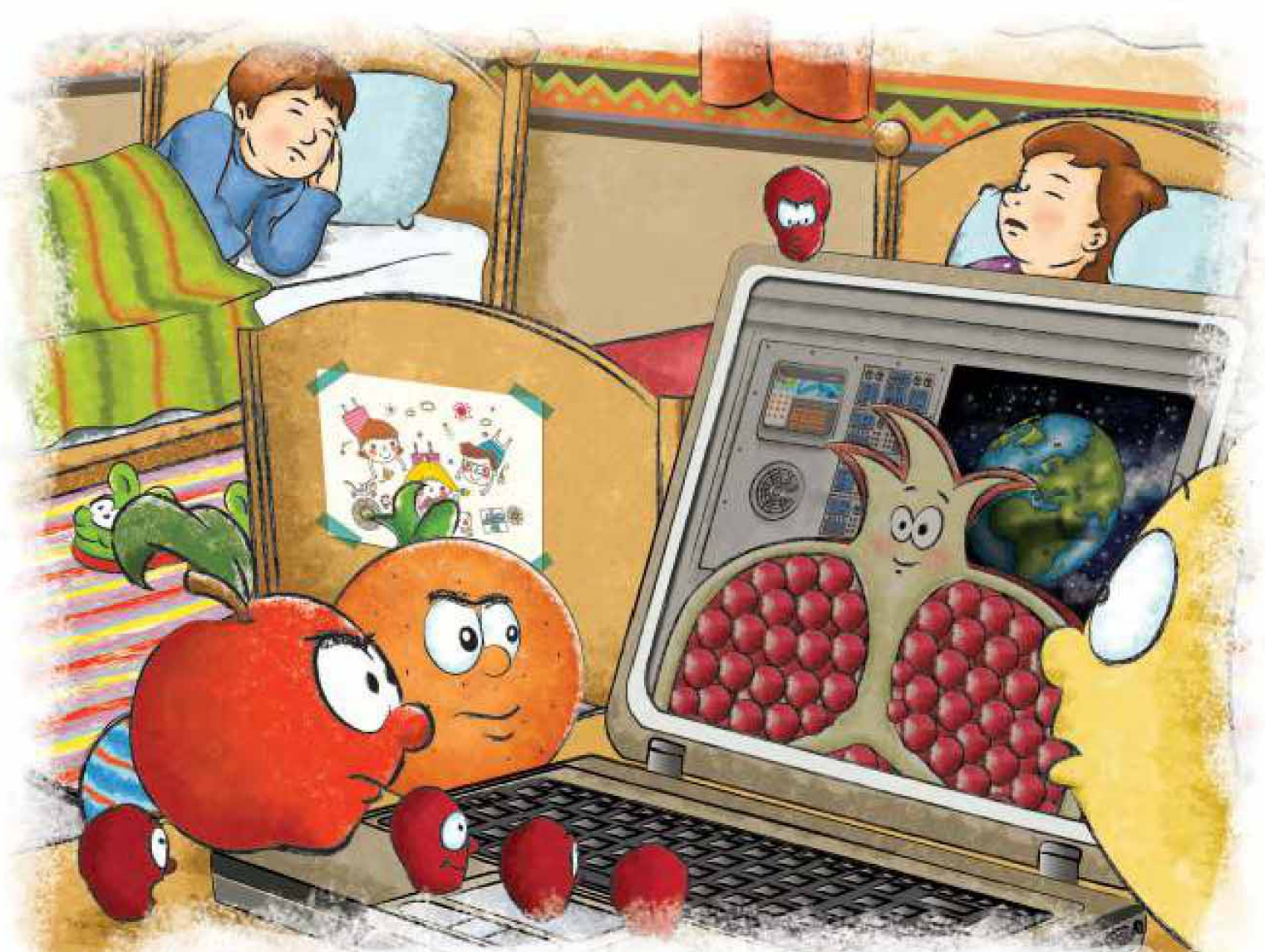


همه میوه ها با سرعت نور به زمین فرود آمدند، در صف اول سپاه میوه
ی فرمانده انار باهوش، تیمی از دانه های درشت انار وجود داشت،
این تیم هم بسیار قوی و هم بسیار سریع بودند، هر وقت میکروب ها
آنها را می دیدند، از ترس به دنبال جایی برای پنهان شدن می گشتند.

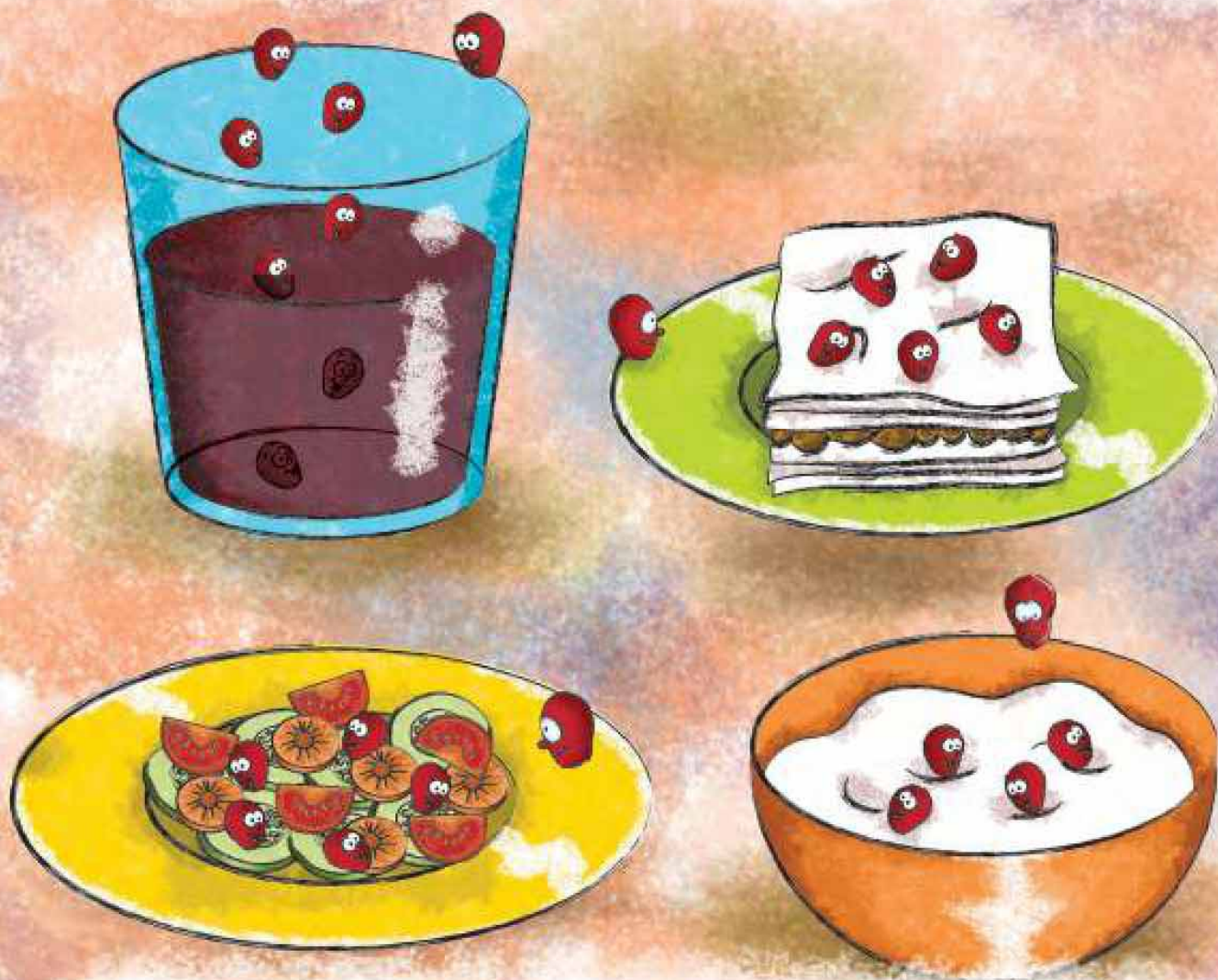




لشکر میوه ها ، تقریباً تمام خانه ها را از میکروب ها پاک کردند. فقط یک خانه باقی مانده بود که پاک نشده بود. دو خواهر و برادر که میوه دوست نداشتند در این خانه زندگی می کردند. از آنجایی که آنها میوه نمی خوردند میکروب ها بیشتر و بیشتر شدند و آن دو نتوانستند بهبود یابند.



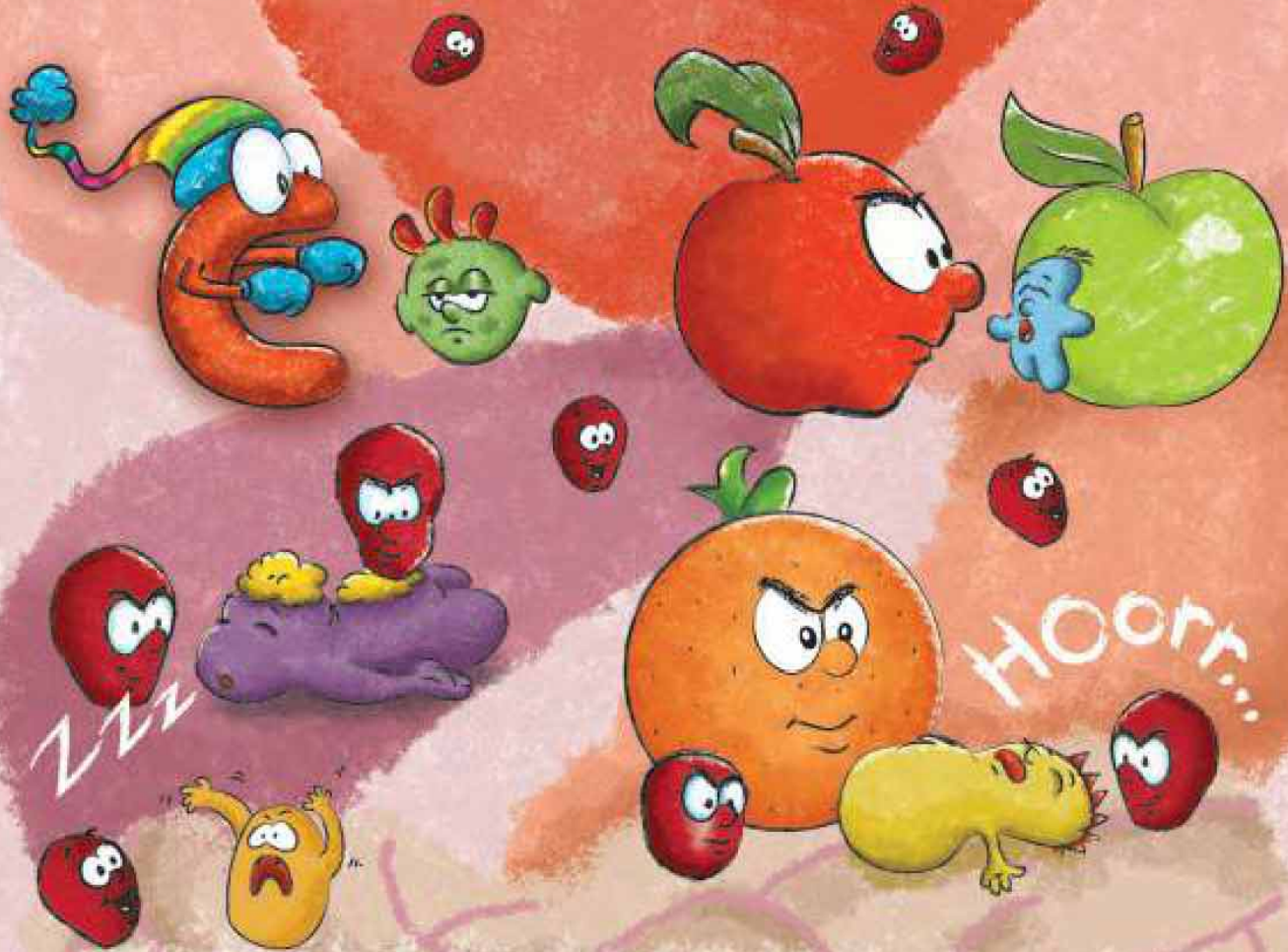
میوه‌ها بلافاصله فرمانده انار باهوش را از وضعیت مطلع کردند. فرمانده گفت: "از آنجایی که خواهر و برادر ما میوه دوست ندارند، ما در غذاهای مورد علاقه آنها پنهان می‌شویم، بنابراین آنها متوجه ما نمی‌شوند، اما می‌توانند از ویتامین‌های ما بهره‌مند شوند."



فرمانده انار باهوش این وظیفه را به تیم انار سپرد. دانه های انار ابتدا در آب میوه های تازه در خانه مخلوط می شدند و سپس در دسرها و ماست ها پنهان می شدند و گاهی روی سالاد می نشستند.



دو بچه کوچک متوجه تغییر طعم غذا شدند و این طعم های جدید را بسیار دوست داشتند و هر روز آب میوه های تازه ای که مادرشان تهیه می کرد می نوشیدند.



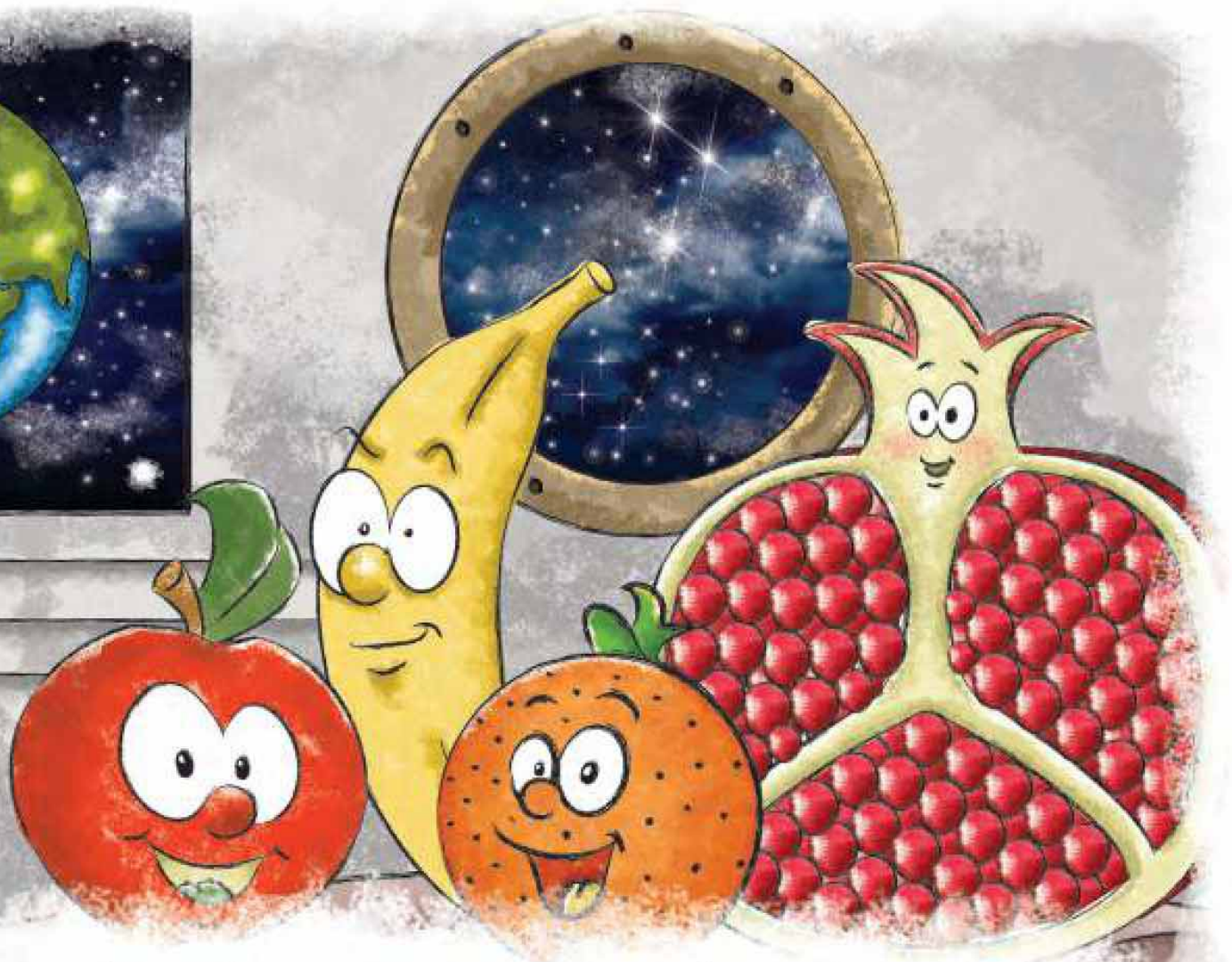
میکروب های موجود در دو کودک غافل از اینکه با دانه های انار مواجه می شوند سرگرم خوشگذرانی بودند، دانه های انار ناگهان ظاهر شدند و به میکروب ها حمله کردند و فرار کردند و دانه های انار آنها را تعقیب کردند، میوه های دیگر نیز به دانه های انار کمک کردند.



هنگامی که آنها از شر میکروب‌ها خلاص شدند، دو کودک به سرعت بهبود یافتند، آنها متعجب بودند که چگونه بدون مراجعه به پزشک بهبود یافته‌اند، زیرا زمانی که آنها مریض بودند، همیشه باید به پزشک مراجعه می‌کردند و دارو می‌گرفتند. فرمانده باهوش تصمیم گرفت راز موضوع را به آنها بگوید.



ما برای شما یک بازی کوچک انجام دادیم. میوه های قوی و سریع من بصورت مخفیانه در وعده های غذایی و نوشیدنی های شما مخلوط می شد. سپس همراه با میوه های دیگر میکروب هایی را که باعث بیماری شما می شد را از بدن شما بیرون می زدند. به این ترتیب شما به سرعت خوب شدید.



بچه های عزیز، مزه ما گاهی ترش است گاهی شیرین است ، دانه هایی داریم که جدا کردنشان سخت است ، پوست کردن ما هم خسته کننده است، اما فراموش نکنید که ما میوه ها، ویتامین ها و مواد معدنی زیادی داریم که از شما در برابر میکروب ها محافظت می کند. برای رشد و سلامتی خود، ما و سایر میوه ها را از سفره های خود حذف نکنید، قول می دهید؟



آن دو خواهر و برادر بدون اینکه بدانند فرمانده انار باهوش کیست و از کجا صحبت میکند، فریاد زدند: «قول». هر دو از اینکه دیگر خوب شده اند خیلی خوشحال بودند و با دوستانشان بازی کردند. از آن روز به بعد میوه ها به خصوص انار میوه مورد علاقه این دو کودک شد.